

درس پانزدهم :: دریا

هر کجا چشم می‌رود، آب است / از افق تا افق، همه دریاست

معنی: دریا آن قدر بزرگ است که هر کجا را نگاه می‌کنیم آب است. از این طرف آسمان تا آن طرف آسمان را آب گرفته است.

آب، آئینه‌ای است پهناور / صورت آسمان، در آن پیداست

معنی: آب دریا مانند آئینه بسیار بزرگی است که صورت آسمان در این آئینه پهناور، دیده می‌شود. (وقتی آب را می‌بینیم آسمان را هم در آن می‌بینیم).

خنده‌ی گرم و روشن خورشید / بر تنِ سردِ آب می‌ریزد

معنی: گرما و روشنی خورشید به آب سرد دریا می‌تابد و آن را گرم می‌کند.

موج از پشتِ موج می‌آید / موج در پیشِ موج می‌خیزد

معنی: موج‌های دریا، یکی پس از دیگری می‌آیند و آب را جلو و عقب می‌برند.

می‌کشد آب، دامنش را نرم / بر تنِ پاک ماسه‌های کبود

معنی: آب دریا خود را آرام روی ماسه‌های ساحل می‌کشد. (منظور از این بیت، خیس شدن شن‌های اطراف دریا، با موج‌های دریاست)

می‌برد لذت از نوازشِ آب / ساحلِ بی‌خیالِ خواب‌آلود

معنی: ساحل هم مانند کودکی که در خواب عمیق فرو رفته و مادرش رویش را می‌کشد، گویی از کشیدن دامن مادرش (دریا!) بر سرش لذت می‌برد.

می‌شوم شاد و می‌زنم غوطه / مثل ماهی، میان آبِ زلال

معنی: با دیدن دریا شاد می‌شوم و مثل ماهی در آب شفاف دریا شنا می‌کنم.

آسمان دل‌گشا و دریا رام / زندگی مهربان و من خوشحال

معنی: آسمان، شادی بخش و دریا آرام است. زندگی (با تمام این آفریده‌های زیبای خدا) با ما انسان‌ها مهربان است و من از تمام این نعمت‌های خدا لذت می‌برم و خوشحالم.

معنی لغات

افق: اطراف آسمان، کنار آسمان

پهناور: گسترده و وسیع

غوطه ور: فرو رفتن در آب دریا

کبود: آبی تیره

می خیزد: بلند می شود، برمی خیزد

رام: آرام

زالال: روشن و شفاف (صاف)

دل گشا: خوش منظره و با صفا

ساحل: کنار دریا یا رودخانه و دریاچه

لغات هم خانواده

افق: آفاق

موج: امواج، مواج

لذت: لذیذ

کلمات مخالف

پهناور ≠ تنگ

رام ≠ سرکش

دل گشا ≠ دل گیر

لذت ≠ ذلت

پیدا ≠ گم

گرم ≠ سرد

روشن ≠ تاریک



کلمات سخت و واژگان دارای ارزش املائی

افق - موج - ساحل بی خیال - زلال - لذت - غوطه - خواب آلود - پهناور - می خیزد